



مرا با دنیا چه کار؟ مَثَلِ من در دنیا، تنها مانند سواری است که زیر درختی سایه می‌گیرد، سپس کوچ می‌کند و آن را رها می‌سازد

از عبدالله بن مسعود رضی الله عنه روایت است که گفت: رسول خدا صلی الله علیه وسلم بر روی حصیری خوابیدند، پس برخاستند درحالی که [اثر حصیر] بر پهلویشان نقش بسته بود. ما عرض کردیم: ای رسول خدا، کاش برای شما زیرانداز نرمی فراهم می‌کردیم. ایشان فرمودند: «مَا لِي وَلِلدُّنْيَا، مَا أَنَا فِي الدُّنْيَا إِلَّا كَرَائِبٍ اسْتَضَلَّتْ تَحْتَ شَجَرَةٍ ثُمَّ رَاحَ وَتَرَكَهَا». یعنی: «مرا با دنیا چه کار؟ مَثَلِ من در دنیا، تنها مانند سواری است که زیر درختی سایه می‌گیرد، سپس کوچ می‌کند و آن را رها می‌سازد».

[صحیح است] [به روایت ترمذی و ابن ماجه]

عبدالله بن مسعود رضی الله عنه ذکر کرده است که پیامبر صلی الله علیه وسلم بر روی زیرانداز کوچکی که از گیاه بافته شده بود، خوابیدند. وقتی برخاستند، اثر حصیر بر پوست پهلویشان مانده بود. ما عرض کردیم: ای رسول خدا، اگر برای شما فرشی نرم فراهم می‌کردیم، بهتر از خوابیدن شما بر روی این حصیر زیر بود. پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: من محبت و الفتی با دنیا ندارم که به آن راغب شوم. مَثَلِ من و ماندن در دنیا، تنها مانند سواری است که زیر درختی سایه می‌گیرد، سپس کوچ می‌کند و آن را رها می‌سازد.

<https://www.sunnah.global/hadeeth/fa/show/65814>



النجاة الخيرية
ALNAJAT CHARITY

